



1. 2. 3. 4.



دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی

چگونگی طرح هویت ملی در کتابهای تعلیمات اجتماعی پنجم  
دبستان وسوم راهنمایی

توسط:

محمود رضا نوشادی

استاد راهنما:

دکتر حبیب احمدی

بهمن ۱۳۸۶

۱۳۸۷ / ۲ / ۲۳

۱۰ ۵۳ ۴۱



به نام خدا

بررسی چگونگی طرح هویت ملی در کتاب های تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان و سوم  
راهنمایی

به وسیله ی  
محمودرضا نوشادی

پایان نامه ارایه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی  
لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی  
جامعه شناسی

دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته ی پایان نامه با درجه: عالی

دکتر حبیب احمدی، دانشیار بخش جامعه شناسی.....  
دکتر محمد تقی ایمان، دانشیار بخش جامعه شناسی.....  
دکتر بابک شمشیری، استاد یار بخش مبانی تعلیم و تربیت.....

بهمن ماه ۱۳۸۶

تقدیم به

یاور و همسر عزیزم که بدون همراهی او، پایان بردن این راه، بس دشوار بود

و

به انسان متواضع و دوست داشتنی زنده یاد پدرم که یادش همواره گرمی باد

## سپاسگزاری

سپاس خداوندی که خرد را آفرید و آنرا در وجود انسان گمارد تا بوسیله آن فهم حاصل آید. حاصلی که جز از طریق آموزش و تربیت بارور نمی گردد و این باروری نتایج وجود استادانی گرانقدر می باشد.

بنابر این بر خویش لازم می دانم که از این بزرگان قدر دانی نمایم: استاد راهنمای فرهیخته و گرانقدر جناب آقای دکتر احمدی که در گستره این پژوهش و همچنین در طول مدت تحصیل با راهنمایی های ارزشمند خود مرا یاری فراوان نمود. استاد مشاور اندیشمند جناب آقای دکتر ایمان که با ریز بینی های علمی واقعاً کم نظیر خود مطالب فراوانی را به من آموخت.

استاد مشاور و دوست دانشمند جناب آقای دکتر شمشیری که به حق مشاور من از لحظه شروع تا پایان این پژوهش بود و در این کار مرا مدیون خود نمود. از نماینده محترم تحصیلات تکمیلی جناب آقای دکتر اکبریان به خاطر متقبل نمودن این مسولیت سپاسگزارم.

از تمامی اساتید گرانقدر بخش جامعه شناسی بخصوص از دانشمند گرامی جناب آقای دکتر لهسایی زاده که افتخار شاگردی او را داشتم و همچنین دکتر زاهدزاهدانی بخاطر زحمات زیادی که در مدت تحصیل اینجانب متحمل شدند سپاسگزارم. از حوزه مدیریت دانشکده از سرکار خانم انیسی بخاطر زحمات تایپ مقالات اینجانب در طول مدت تحصیل و همچنین از سرکار خانم اسلامی، عقیفیان، شیرازی و حریرچی تشکر می نمایم.

از بخش جامعه شناسی از زحمات بی دریغ خانم ها سالاری و بذرافشان و ندیم تشکر فراوان دارم.

بار دیگر از همسر مهربان و دلسوزم سرکار خانم مژگان جمعی بخاطر فداکاری های بی منت خود و دیگر اعضای خانواده ام (مادر، برادران و خواهرانم) که مرا یاری نموده اند، تشکر می نمایم و بر روح بزرگ پدر گرانقدر و زحمتکشم محمد ظاهرنوشادی درود می فرستم.

## چکیده

بررسی چگونگی طرح هویت ملی در کتاب های تعلیمات اجتماعی پنجم ابتدایی و

سوم راهنمایی

به وسیله

محمودرضا نوشادی

نهاد آموزش و پرورش عامل رسمی انتقال فرهنگ و دانش به نسل جوان و تضمین کننده بقاء و ثبات جامعه است. بنابراین، توجه کارشناسان در انتخاب محتوای درسی و پیامهای آنها می تواند به صحت و سلامت فرآیند شکل دهی هویت ملی و همچنین رشد آن در دانش آموزان کمک نماید. به همین دلیل، مسئله کلی پژوهش حاضر عبارت است از چگونگی پرداختن کتب تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان و سوم راهنمایی به عنوان مقاطع پایانی دو دوره تحصیلی به مقوله هویت ملی و نیز شناسایی کاستی ها و آسیب پذیریهایی هر کدام از آنها در متون درسی می باشد. در انجام این پژوهش و پاسخ به مساله تحقیق از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. بر اساس پژوهش حاضر، هویت ملی ایران بر پایه سه رکن ایرانیت (ملیت)، اسلامیت و تجدد می باشد، جهت جلوگیری از هر گونه آسیب بر هویت ملی لازم است که این ارکان در تعامل و تعادل با هم باشند. بر این اساس ده مقوله در رابطه با هویت ملی شناسایی شدند. این مقوله ها عبارتند از بعد دینی و سیاسی از رکن اسلامیت. ارزشها و هنجارهای ملی، میراث فرهنگی، اسطوره های ملی، نمادهای ملی، ویژگی های جغرافیایی، خرده فرهنگهای قومی از رکن ایرانیت افتخارات ملی، مقوله ای اسلامی- ایرانی و تجدد. در مجموع یافته های بدست آمده از این پژوهش دلالت بر آن دارد که در کتب نامبرده به مقوله های دینی و سیاسی به عنوان رکن اسلامیت مربوط به پدیده هویت ملی در حد نسبتاً مناسبی پرداخته شده است. این در حالی است که، برخی دیگر از ابعاد هویت ملی مربوط به ارکان ایرانیت و تجدد شدیداً مورد غفلت قرار گرفته اند. ابعاد مذکور عبارتند از: ارزشها و هنجارهای ملی، اسطوره های ملی، خرده فرهنگهای قومی، نمادهای ملی و تجدد. با توجه به یافته های بدست آمده بازنگری در اهداف و محتوای برنامه های درسی مقاطع دبستان و راهنمایی با تأکید بر پرورش هویت ملی (اسلامی- ایرانی و تجدد) پیشنهاد می گردد.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات .....
۱	۱-۱- مقدمه .....
۱	۲-۱- طرح مساله .....
۲	۳-۱- اهمیت تحقیق .....
۳	۴-۱- اهداف تحقیق .....
۴	فصل دوم: ادبیات تحقیق .....
۴	۱-۲- مبانی نظری تحقیق .....
۴	۱-۱-۲- نظریه های مربوط به هویت .....
۴	۱-۱-۱-۲- هویت از منظر روانشناسی .....
۵	۱-۱-۱-۱-۲- دیدگاه روان تحلیل گری .....
۶	۱-۱-۱-۲- دیدگاه شناختی .....
۷	۱-۱-۲- هویت از نظر روانشناسی اجتماعی .....
۱۰	۱-۱-۳- هویت از منظر جامعه شناسی .....
۱۰	۱-۱-۳-۱-۲- نظریه های کلاسیک پیرامون هویت .....
۱۱	۱-۱-۳-۱-۲- نظریه های معاصر در مورد هویت .....
۱۷	۲-۱-۲- نظریه های معاصر در مورد هویت ملی .....
۳۶	۱-۲-۱-۲- هویت ملی از منظر اندیشمندان ایرانی .....
۴۲	۲-۲- پیشینه تحقیق .....
۴۲	۱-۲-۲- تحقیقات داخلی .....
۴۷	۲-۲-۲- تحقیقات خارجی .....
۵۰	۳-۲- چارچوب نظری تحقیق .....

صفحه	عنوان
۵۳	..... فصل سوم: روش تحقیق
۵۳	..... ۱-۳- مقدمه
۵۴	..... ۲-۳- جامعه آماری و نمونه گیری
۵۵	..... ۳-۳- واحد تحلیل
۵۵	..... ۴-۳- روش جمع آوری اطلاعات
۵۵	..... ۵-۳- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
۵۶	..... ۶-۳- نمونه کاربرگ
۵۶	..... ۷-۳- اعتبار و پایایی

### ..... فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

۵۸	..... ۱-۴- معرفی و تحلیل کتاب تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان
۶۵	..... ۲-۴- معرفی و تحلیل کتاب تعلیمات اجتماعی سوم راهنمایی

### ..... فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۷۴	..... ۱-۵- خلاصه، بحث و نتیجه گیری
۸۵	..... ۲-۵- محدودیت ها
۸۶	..... ۳-۵- توصیه های پژوهش
۸۷	..... ۴-۵- پیشنهادات برای پژوهش های بعدی

### فهرست منابع:

۸۸	..... الف- فارسی
۹۹	..... ب- انگلیسی



## فهرست جداول

صفحه	عنوان
۶۰	جدول ۱- نتایج تحلیل محتوای بخش جغرافیا تعلیمات اجتماعی سال پنجم دبستان.....
۶۱	جدول ۲- نتایج تحلیل محتوای بخش تاریخ تعلیمات اجتماعی سال پنجم دبستان.....
۶۲	جدول ۳- نتایج تحلیل محتوای بخش مدنی تعلیمات اجتماعی سال پنجم دبستان.....
۶۳	جدول ۴- نتایج تحلیل محتوای کل تعلیمات اجتماعی سال پنجم دبستان.....
۶۶	جدول ۵- نتایج تحلیل محتوای فصل اول تعلیمات اجتماعی سال سوم راهنمایی.....
۶۷	جدول ۶- نتایج تحلیل محتوای فصل دوم تعلیمات اجتماعی سال سوم راهنمایی.....
۶۸	جدول ۷- نتایج تحلیل محتوای فصل سوم تعلیمات اجتماعی سال سوم راهنمایی.....
۶۹	جدول ۸- نتایج تحلیل محتوای کل تعلیمات اجتماعی سال سوم راهنمایی.....
۷۱	جدول ۹- نتایج کلی تحلیل محتوای تعلیمات اجتماعی پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی.....
۷۳	جدول ۱۰- مقایسه فراوانی مولفه های هویت ملی در کتاب های اجتماعی.....
۷۳	جدول ۱۱- مولفه های هویت ملی در کتاب های اجتماعی براساس آزمون خبی دو.....

## فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۶۴.....	نمودار ۱- فراوانی مولفه های هویت ملی کتابهای تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان.....
۶۴.....	نمودار ۲- درصد فراوانی مولفه های هویت ملی پنجم دبستان.....
۷۰.....	نمودار ۳- فراوانی مولفه های هویت ملی کتابهای تعلیمات اجتماعی سوم راهنمایی.....
۷۰.....	نمودار ۴- درصد فراوانی مولفه های هویت ملی سوم راهنمایی.....
۷۲.....	نمودار ۵- فراوانی کل کتاب های تعلیمات اجتماعی.....
۷۲.....	نمودار ۶- درصد فراوانی کل کتاب های تعلیمات اجتماعی.....

## فصل اول

### کلیات

#### ۱-۱- مقدمه

بحث هویت و لزوم پرداختن به آن، همواره یکی از مسایل مهم هر جامعه ای می باشد. گسترش وسایل ارتباطی و در نتیجه رویارویی ملتها با یکدیگر باعث سوال از هویت و مشخص کردن حدود آن میشود (سروش، ۱۳۸۰: ۱). اگر تکلیف مقوله هویت در میان یک گروه و یا یک ملت معلوم باشد و در خصوص حد و حدود آن اجماع نظری کلی حاصل شود، اولاً، تک تک افراد احساس اعتماد به نفس می کنند، ثانیاً، جامعه و گروه، جهت و هدف خود را مشخص می بیند (رجایی، ۱۳۸۳: ۴۱).

نهاد آموزش و پرورش عامل رسمی انتقال فرهنگ و دانش، به نسل جوان و تضمین کننده بقاء و ثبات جامعه است. در نتیجه، آموزش و پرورش وظیفه دارد ارزشهایی را مستقیماً و آگاهانه به فراگیران منتقل نماید (Carr, 2003: 40).

یکی از مهمترین ابزارهای آموزش و پرورش در این رسالت یعنی انتقال ارزشها و شکل دهی هویتی، کتاب درسی است. در حقیقت پیامهایی که از طریق محتوای این متون درسی به دانش آموزان ارایه می شود، به صورت مستقیم و غیر مستقیم، در انتقال میراث فرهنگی و شکل دهی به هویت ملی، قومی و دینی آنان اثر گذار است. بنابراین بررسی طرح هویت ملی در کتابهای درسی که هدف این تحقیق می باشد برای برنامه ریزان و مولفان کتب درسی می تواند بسیار موثر ثمر باشد.

#### ۱-۲- طرح مساله

مبحث هویت، یعنی بحث و تلاش برای پاسخگویی به پرسش "من که هستم" قدمتی دیرینه دارد. ضرورت بحث از هویت در این است که داشتن تعریفی از خود، اولین قدم نه تنها در ایفای نقش، بلکه از مقدمات انسان بودن است. انسان و جامعه ای که از خود تعریف ندارد، عملاً واحدی از هم گسیخته، نامنسجم، از خود بیگانه و با خود ستیز است. و به ناچار همواره خودش را با نسخه ای خارج از خود ارزیابی می کند، در نتیجه بازیگری و ایفای نقش فعال از چنین واحدی گریزان است (رجایی، ۱۳۸۳: ۴۰).

به همین سیاق هویت ملی یک مفهوم تاریخی است که از ابتدا به اشکال مختلف وجود داشته است لیکن در ابعاد اجتماعی به زعم بسیاری از صاحب نظران علوم انسانی یکی از اساسی ترین و جدیدترین مباحث عصر مدرن و پسامدرن است که به اعتقاد برخی از صاحب نظران بعد از رسانس به وجود آمده است (Miller,1995:25).

امروزه مفهوم هویت ملی به قدری اهمیت پیدا کرده است که برخی از اندیشمندان، هویت ملی را زیربنای تمامی انواع دیگر هویتها می دانند (Poole,2003:102). بدین معنا که انواع هویت‌های دیگر در چارچوب هویت ملی، شکل گرفته و معنا پیدا می کند. در این میان انجام تحقیقات و مطالعات وسیع در خصوص ارتباط هویت ملی و نظام آموزش و پرورش از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. چرا که آموزش و پرورش یکی از مهمترین و به تعبیری زیر بنایی ترین نهادی است که به طرح هویت سازی سالم کمک می کند. در واقع آموزش و پرورش جزء اولین نهادهایی است که شکل دهی هویتی در آن رخ می دهد (Ibid:110).

بدیهی است متن کتب درسی و پیامهایی که از طریق آنان به دانش آموزان انتقال می یابد به صورت مستقیم و غیر مستقیم در هویت یابی فراگیران اثر می گذارد. چنانچه این متون در ترسیم هویت دینی، قومی و... دچار نقصان و یا تعارض گردند، فرایند شکل دهی به هویت دانش آموزان نیز دچار اختلال می گردد. بنابراین دقت و توجه کارشناسان در محتوای کتاب های درسی می تواند در بهتر فراهم نمودن این متون موثر باشد.براین اساس مساله تحقیق این می باشد که چگونه محتوای کتابهای تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان وسوم راهنمایی به امر هویت ملی می پردازد.

### ۱-۳- اهمیت تحقیق

هویت ملی از آن جهت که فرایند پاسخ گویی آگاهانه یک ملت به پرسش هایی در باره گذشته، حال و آینده، خواستگاه اصلی ودائمی، منزلت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی وارزش های برگرفته از تاریخ و گذشته خود است، ضرورت شناخت و بررسی دارد. از طرفی تنوع وتکثر قومی در وجود خرده فرهنگ های محلی در ایران وهمچنین احتمال بروز شکاف های منزلتی میان آنها، واز طرف دیگر گسترش ارتباطات و مقوله جهانی شدن که می تواند هویت ملی کشورها و از جمله ایران را با بحران و چالش های جدی مواجه نماید؛اهمیت و ضرورت بررسی هویت ملی ومولفه های آن و همچنین آسیب هایی که می تواند بر آن وارد شود را نمایان می سازد(میر محمدی،۱۳۸۳: ۱۴-۱۳).

انسجام در هویت ملی می تواند بستر جامعه مدنی و مردم سالاری شود، زیرا اگر امر مشترکی که دلبستگی همه اصحاب متکثر جامعه، اعم از کرد، ترک، بلوچ، فارس، عرب و...در

آن نباشد، هیچ عاملی برای اینکه در مقام تعارضات و تخاصمات اجتماعی و سیاسی که نسبت به هم کوتاه بیایند؛ وجود نخواهد داشت. بنابراین یا منطق زور و قدرت و یا هرج و مرج و فرو پاشی حاکم خواهد شد (سحابی، ۱۳۸۳: ۱۷).

اهمیت فهم هویت ملی برای کشوری با قومیت های متفاوت مانند ایران جهت یکپارچگی و انسجام بسیار مهم می باشد، زیرا هویت ملی مفهومی است که سعی می کند تعارضات موجود در هویت های گروهی را به نوعی کاهش داده و آنها را ذیل یک هویت بالاتر، یعنی هویت ملی همگرا سازد (معینی علمداری، ۱۳۸۳: ۴۵).

نظام آموزشی در تبیین هویت ملی نقش تعیین کننده ای دارد (سریع القلم، ۱۳۸۳، ۳۶). به دیگر سخن، آموزش و پرورش رسالت جامعه پذیری فرزندان کشور را از طریق شکل دهی هویت (دینی، قومی و...) و در نتیجه ملی آنان را به عهده دارد (علاقه بند، ۱۳۷۷: ۱۰).

بدیهی است متن کتب درسی و پیام هایی که از طریق آنان به دانش آموزان انتقال می یابد ابزار انجام این رسالت می باشد. از این رو دقت و توجه کارشناسان در انتخاب محتوای درسی می تواند به صحت و سلامت فرآیند شکل دهی هویت ملی و جامعه پذیر نمودن دانش آموزان کمک نماید. به همین دلیل پژوهش حاضر سعی دارد چگونگی پرداختن کتب تعلیمات اجتماعی به موضوع هویت ملی را بررسی نماید.

#### ۱-۴- اهداف تحقیق

هدف اصلی پژوهش حاضر عبارت است از تحلیل محتوای کتابهای تعلیمات اجتماعی سال پنجم دبستان و سوم راهنمایی به عنوان مقاطع پایانی دوره آموزش عمومی (ابتدایی و راهنمایی) که با در نظر گرفتن مولفه های هویت ملی بر اساس چارچوب نظری تحقیق می باشد.

#### سوالات این تحقیق بر اساس هدف اصلی آن عبارت است از:

- ۱- محتوای کتاب تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان در بیان ارکان و مولفه های هویت ملی برای دانش آموزان ابتدایی چگونه می باشد؟
- ۲- محتوای کتاب تعلیمات اجتماعی سوم راهنمایی در بیان ارکان و مولفه های هویت ملی برای دانش آموزان راهنمایی چگونه می باشد؟
- ۳- هماهنگی کتابهای تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان و سوم راهنمایی به عنوان مقاطع پایانی دو دوره آموزش عمومی از نظر چگونگی طرح مولفه های هویت ملی با چگونه می باشد؟

## فصل دوم

### ادبیات تحقیق

#### ۱-۲- مبانی نظری تحقیق

مبانی تحقیق را ابتدا با بررسی مفهوم "هویت"<sup>۱</sup> آغاز می‌کنیم و سپس به بحث اصلی یعنی هویت ملی خواهیم پرداخت.

#### ۱-۱-۲- نظریه های مربوط به هویت

می‌توان در بحث از "هویت" آن را به دو مقوله فردی و جمعی تقسیم کرد (منصور نژاد، ۱۳۸۳: ۱۰). هرچند هویت اختصاص به حوزه خاصی ندارد ولی با توجه به پژوهش حاضر، از منظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی آنرا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۱-۱-۱-۲- هویت از منظر روان‌شناسی

در رابطه با معنای هویت فردی که در حوزه روان‌شناسی مطرح است، برخی اندیشمندان این حوزه به نظریه پردازان درباره آن پرداخته‌اند. بسیاری از نظریه پردازان شخصیت، هویت را در درجه نخست، محصول احساسات و تمایلات فردی و شخصی می‌دانند. تمایلات و احساساتی که قابل تفکیک از تمایلات و احساسات متعلق به دیگران می‌باشد. به همین خاطر برخی از صاحب نظران بر این باورند که "هویت" عبارت است از احساس خود یا به تعبیر دیگر شناخت و درک خود که در رابطه با دیگران و در متن فضا و زمان معین، شکل می‌گیرد (Enslin, 1999: 10).

یکی از اندیشمندانی که بطور گسترده بر مفهوم «هویت» و شکل‌گیری آن طی دوره زندگی تأکید کرده اریکسون<sup>۲</sup> است. او معتقد است که پایه‌های اولیه هویت در اوان زندگی و به شکلی احساسی و ناخودآگاه شکل می‌گیرد. طبق نظر او، در کل دوران زندگی این فرآیند تکوین و تشکل هویت ادامه دارد. لیکن نقطه اوج شکل‌گیری هویت در پایان دوره جوانی است. اریکسون، این شکل ناخودآگاهانه و اولیه تشکیل هویت منسجم را اعتماد اولیه می‌نامد که فقط در محیط خانوادگی صمیمی و استوار شکل می‌گیرد (حیدری بیگوند، ۱۳۸۰: ۱۰۷). در تعریف دیگری، جاکوبسن<sup>۳</sup>، چنین اظهار می‌دارد: "هویت عبارت است از احساس تمایز

1 -Identity

2 -Erikson

3- Jacobson

شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی" (Jacobson, 1998: 10). بنا به این تعریف مسئله هویت، همان مسئله شخصیت است و هویت عبارت از احساسی است که انسان نسبت به حیات روانی خود دارد و یگانگی و وحدتی که در مقابل اوضاع و احوال متغیر خارج، همواره در حالات روانی خود حس می کند (تاجیک، ۱۳۸۴: ۲۲). می توان گفت، مفهوم هویت از منظر غالب دیدگاههای روان شناسی حایز دو بعد اساسی می باشد که عبارتند از بعد شناختی و بعد احساسی. به تعبیر دیگر، هویت هم در بردارنده جنبه شناختی است، چرا که احساس هویت؛ محصول نوعی درک و آگاهی است و هم جنبه احساسی را شامل می شود چرا که این درک و آگاهی به نوبه خود موجب برانگیخته شدن احساسات و عواطف معینی در فرد می گردد.

همان طور که اشاره شد، بین مفهوم هویت، شخصیت و خود<sup>۱</sup> (خویشتن) در فرهنگ روان شناسی تا حد زیادی هم پوشی وجود دارد. از این رو برای فهم بیشتر مفهوم هویت، تجزیه و تحلیل مفهوم "خود" بسیار بجا می باشد. بدین منظور، یعنی شناخت بیشتر این مفهوم، به بررسی مفهوم "خود" از دیدگاه دو رویکرد روان شناسی پرداخته می شود.

## ۲-۱-۱-۱-۱- دیدگاه روان تحلیل گری<sup>۲</sup>

برای پی بردن به معنای "خود" در نزد مکتب روان تحلیل گری، بایستی به مفاهیم بنیانی این دیدگاه یعنی "غریزه حیات"<sup>۳</sup>، "نهاد"<sup>۴</sup>، "خود"<sup>۵</sup> و "فراخود"<sup>۶</sup> و نیز "خود آگاه و ناخودآگاه"<sup>۷</sup> التفات نشان داد. "خود" از منظر فروید و برخی پیروان او در دوران معاصر همچون "کوهوت"<sup>۸</sup> ریشه در غریزه حیات یا لیبیدو دارد (محسنی، ۱۳۷۵: ۲۰۵). از سوی دیگر، خود پدیده ای است که دارای لایه های مختلفی با سه درجه از آگاهی است.

سطح اول، خودآگاهی است، یعنی آنچه که انسان به صورت ساده و سطحی در باره خود می داند و یا پاره ای موارد، گمان می کند که می داند. سطح دوم نیمه آگاهی یا خود نیمه هشیار است که در حد فاصل بین خود آگاهی و ناخودآگاه قرار دارد. این لایه از خود شامل مواردی است که هر از چند گاهی و به صورت اتفاقی از ناخودآگاه جدا شده و به درون مرزهای

---

1- Self

2- Psychoanalysis

3- Libido

4- Id

5- Ego

6- Superego

7- Consciousness and unconsciousness

8- Kohut

آگاهی راه می یابد. آن چه که درون خود نیمه آگاه، جریان دارد، معمولاً تغییر شکل داده و به صورت رمز و نماد در می آید و سپس به قلمرو خود آگاهی وارد می شود. یکی از مصادیق بارز این فرایند خواب دیدن و رؤیا بینی است. به همین خاطر، تعبیر خواب، یکی از راههای دست یافتن به معانی مفاهیم و مقاصد ناخودآگاه تلقی می شود. و بالاخره سطح سوم، ناخودآگاه است که به اعتقاد فروید و پیروان او، عبارت است از تمایلات و مطالبات مربوط به لیبیدو یا به تعبیری همان غریزه جنسی یا حیات که در هر مرحله ای از زندگی به شکلهای گوناگون تظاهر می کند (منبع پیشین: ۲۱۰).

از سوی دیگر، فروید<sup>۱</sup> در سازمان شخصیت سه عنصر اساسی یعنی نهاد، خود و فرا خود را تشخیص می دهد. به زعم وی در نزد کسی که از لحاظ ذهنی سالم باشد، این سه نظام به طور هماهنگ کار می کنند، اما هنگامی که این ارکان ناهماهنگ شوند، فرد بیمار می شود. به طور عادی این سه عنصر با یکدیگر همکاری می کنند تا فرد بتواند با محیط سازگار شود و نیازها و خواستههای اساسی خود را ارضاء کند (فروید، ۱۳۵۰: ۶۰).

## ۲-۱-۱-۱-۲ دیدگاه شناختی<sup>۲</sup>

با اوج گیری روان شناسی شناختی در اواسط قرن بیستم و رسوخ آن در روان شناسی اجتماعی، توجه از عوامل بیرونی به فرد و فرایندهای درون فردی، معطوف شد. بنابر این دیدگاه، انتخاب شخصی، حتی در ارزشیابی دیگران از فرد نیز دخالت دارد. در واقع، این فرایندهای درون فردی و شناختی است که به ارزشیابی های دیگران درباره فرد، معنا و مفهوم می دهند. هر نوع اثر گذاری بیرونی یا اثر بین فردی از خلال صافی درون و فرایندهای درون فردی عمل می کند. "کودول"<sup>۳</sup> از اندیشمندان این دیدگاه بیان می کند که تمایل افراد در مقایسه میان "خود" با دیگری این است که، "خود" را به عنوان مدل محسوب می دارند، در عین حال که می خواهند، "خود" را از مدل های دیگر نیز متمایز سازند. بر این اساس دیدگاه شناختی، "خود" را به عنوان یک ساختار شناختی توصیف می کند که واسطه دنیای درون و بیرون بوده و حوادث و اطلاعات را پردازشگری می کند، سپس آنها را ذخیره می نماید و سازمان می دهد و بعد از آن، بر مبنای این سازماندهی با محرکها و رویدادهای بعدی درگیر می شود (محسنی، ۱۳۷۵: ۳۱).

## ۲-۱-۱-۲ هویت از منظر روان شناسی اجتماعی

- 1-Feroid
- 2-Cognitive
- 3--Codal



دیدگاه روانشناسی اجتماعی خود، به کارهای "جرج هربرت مید"<sup>۱</sup> و "چارلز هورتن کولی"<sup>۲</sup> باز می‌گردد. در این دیدگاه "خود" محصول جامعه است و رفتار آدمی در متن زندگی اجتماعی تعیین می‌شود و آگاهی و شناخت خویشتن، همراه با هم در اثر ارتباطات ذهنی، از راه کنشهای متقابل با دیگران به وجود می‌آیند. به اعتقاد آنها، خود یک "ساختار اجتماعی"<sup>۳</sup> است که از تجربه‌ی اجتماعی بر خاسته است (احمدی، ۱۳۸۲: ۱۴).

بنا به برداشت مید، "خود" هر فردی از خلال اخذ دیدگاه "دیگری"<sup>۴</sup> شکل می‌گیرد. به این صورت که فرد آگاهی می‌یابد که موضوعی در حوزه ادراکی "دیگری" است و با درونی سازی آن به "خود" به عنوان موضوعی در حوزه ادراکی خویشتن آگاه می‌شود. به تعبیر دیگر، تصویری که فرد از خود می‌سازد و احساسی که نسبت به خود پیدا می‌کند، بازتاب نگرشی است که دیگران نسبت به او دارند (Mead, 1964: 98).

کولی نیز دیدگاهی مشابه دارد. "خود" از نظر وی، سیمای درونی شخصیت و مرکز ذهن می‌باشد که دارای دو وضعیت است:

- ۱- وضع ذهنی "خود" که من فاعلی تشکیل دهنده آن است.
- ۲- وضع عینی "خود" یا من برتر یا من مفعولی که جنبه اجتماعی خود است. خود ذهنی، عکس العمل آگاهانه تحریک است و آگاهی هر شخص را نمایان می‌سازد. خود ذهنی بخشی از خود است که در تلاش برای یافتن عکس العمل "خود آینه گون"<sup>۵</sup> خویش در پاسخهای دیگران است، در حالی که خود عینی کاملاً جنبه اجتماعی دارد و وابسته به اجبار اجتماعی و قوانین اخلاقی و انتظارات دیگران است. بنا به اعتقاد وی، "خود" اغلب یک خود اجتماعی است. یک "خود آینه گون" متکی بر سه عنصر اصلی است:

۱- تصور حضور ما برای سایر اشخاص؛

۲- تصور قضاوت آنها از حضور ما؛

۳- برخی اقسام "خود-احساسی" نظیر غرور، فخر یا خرسندی.

در واقع به نظر کولی هر انسانی در ذهن دیگری حضور دارد و همین درک حضور سبب می‌شود که هر فرد، خود اجتماعی خویشتن را ادراک یا احساس کند و رفتار خود را بر اساس حضور در ذهن دیگران، تعیین کرده و جهت دهد. به دیگر سخن، "خود"، انعکاسی یا آینه ای است که دیگران در آن منعکس هستند (Cooley, 1968: 12).

بدین ترتیب همان طور که دیده شد، با توجه به دیدگاه اجتماعی، مفهوم هویت تنها به جنبه فردی آن محدود نشده بلکه بعد عمده آن، جنبه جمعی آن و یا به تعبیر مصطلح "هویت

---

1- Gorje.Herbert.Mead  
2- Charles.Hortun.Cooley  
3-Social Structuer  
4-Other  
5- Looking-glass self

اجتماعی<sup>۱</sup> می باشد. تاجفل<sup>۲</sup>، هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می زند و عضویت گروهی را متشکل از سه عنصر می داند: عنصر شناختی - آگاهی از اینکه فرد به یک گروه تعلق دارد - عنصر احساسی - احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه ای خاص با آن گروه دارند - و بالاخره عنصر ارزشی - فرضهایی درباره پيامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی - بر این اساس، هویت اجتماعی از دیدگاه تاجفل عبارت است از آن بخش از برداشت یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه (گروههای) اجتماعی سرچشمه می گیرد. این آگاهی با اهمیت ارزشی (ارزش گذاری) و احساس نسبت به عضویت گروهی، توأم می باشد (Tajfel, 1978:15). از این منظر می توان هویت اجتماعی را نوعی خود شناسی فرد در رابطه با دیگران دانست، به اعتقاد استرایکر<sup>۳</sup>، هویتها قسمتی از "خود" هستند؛ خود در ارتباط با ساختار کلان طرحهایی را ایجاد می کند و هویتها، این طرحهای خود را درونی می کنند. درجه تعهد فرد به هویت می تواند نسبت مثبت داشته باشد به: فرهنگ جامعه تا چه اندازه آن هویت را مثبت ارزیابی می کند و وسیع بودن افرادی که فرد برای آن هویت خاص، به آن متکی است (Turner, 1998:369-375). به نظر استرایکر، هر چه افراد بیشتر تعهد خود نسبت به یک هویت را ابراز کنند، این هویت در سلسله مراتب برجستگی در مرتبه بالاتری قرار خواهد داشت. اگر این هویت به گونه ای مثبت از طریق واکنش های دیگران و معیارهای ارزشی وسیع تر ارزیابی شود، این هویت در سلسله مراتب این شخص به سوی مرتبه بالاتری حرکت خواهد کرد. وقتی انتظارات دیگران همسان و سازگار هستند، در حالی که اندکی تناقض و ناسازگاریها را نشان می دهند، افراد به هویتی که به دیگران عرضه می شود حتی متعهدتر خواهند بود، زیرا آنها یک صدا صحبت می کنند، به عقیده استرایکر، وقتی که یک هویت در سلسله مراتب برجستگی یک فرد بالا باشد، اجراهای نقشی، همواره با انتظاراتی که با این هویت همراه است، سازگارتر خواهد شد. به علاوه، وقتی که هویتها در مرتبه بالایی از سلسله مراتب برجستگی قرار دارند، افراد تمایل خواهند داشت، موقعیتها را به عنوان فرصتها برای نمایش این هویت در نقشها به حساب آورند و آنها فعالانه به دنبال موقعیتهایی هستند که در آن بتوانند از این هویت استفاده کنند. بدین طریق، همسانی بین این هویتها که در سلسله مراتب برجستگی آنها به سوی مرتبه بالا حرکت می کنند، آنها اجراهای نقشی خود را از طریق تعاریف فرهنگی گسترده تر و انتظارات هنجاری ارزیابی می کنند؛ همانطور که افراد چنین ارزیابیهایی می کنند، آنها همواره به هویتهای خود متعهدتر می شوند (Turner, 2003:370-371).

- 1- Social Identity
- 2- Tajfel
- 3- Stryker

مک کال<sup>۱</sup> و سیمونز<sup>۲</sup> بر هویت نوحامیت نقش تاکید دارند. به نظر آنها فرد در هویت نقش<sup>۳</sup> به دنبال این است که تصویر ذهنی خود از دید دیگران را مشروعیت ببخشد و همین عامل باعث این می شود که به دنبال حمایت نقش برای هویت خود باشد. از نظر این دو اندیشمند افراد دارای دو نوع "خود" هستند:

۱- خود موقعیتی

۲- خود آرمانی

خود موقعیتی باید برای خود ایده آل سود مند باشد که همان حمایت نقش برای آن است (Turner, 1998:372-375). به نظر آنها، چنانچه افراد به دنبال تحقق اهداف و برنامه‌های متنوع خود می باشند، نقش‌ها معمولاً سرهم‌بندی می‌شوند. بنابراین، یک هویت نقش ویژگی و نقشی است که فرد برای خود به عنوان اشغال کننده یک موقعیت اجتماعی خاص تدبیر می کند. هویت نقش یک دیدگاه تخیلی را از خود، در یک جایگاه، اغلب دیدگاهی نسبتاً کمال گرایانه از خود، ایجاد می کند. هر هویت نقش از این رو بخشی متعارف دارد که با جایگاه‌های در ساختار اجتماعی ارتباط دارند، به علاوه قسمتی که وابسته به خصایص فردی است و در تخیلات افراد به وجود می آید. به نظر آنها، هویت‌های نقش به بخشی از اهداف و برنامه‌های افراد تبدیل می شوند، زیرا مشروع کردن هویت خود در چشمان دیگران نیرویی شدید در رفتار انسانی می‌باشد. بعلاوه، مردم خود را از طریق ایفای نقشی که مقصود از آن هماهنگ بودن با یک هویت نقش است، ارزیابی می‌کنند. اما چنانچه مک کال و سیمونز تأکید کردند، مهم‌ترین مخاطبان برای ایفای یک نقش خود افراد می‌باشند که عملکرد خود را با توجه به دیدگاه آرمانگرای خود در مورد هویت نقش ارزیابی می‌کنند. با این وجود، مردم همچنین باید به دنبال حمایت از نقش-حمایت نقشی- از سوی مخاطبان مربوط بیرون از اذهان خود برای هویت‌های نقش خود باشند. این حمایت مستلزم چیزی بیشتر از اعطای حق اشغال یک جایگاه به فرد توسط مخاطبان می‌باشد و این در برگیرنده چیزی بیش از رضایت دیگران از رفتار کسانی که در یک جایگاه می‌باشند است. برای این که فردی در یک نقش احساس مشروعیت کند. به نظر اینان، چون بخش زیادی از هویت نقش نسبتاً در ذهن فرد آرمانگرا می‌باشد و چون فرد باید به دنبال مشروعیت بخشیدن در چندین حوزه باشد، همیشه تناقض و اختلافاتی بین هویت نقش و حمایت از نقش که برای این هویت دریافت می شود، وجود دارد. مردم خیلی زیاد آرمانگرا هستند و آن را باید به دنبال حمایتی از عملکردهایی باشند که دیگران می توانند از آن‌ها برداشت اشتباه کنند. در نتیجه، تقریباً همیشه اندکی نارضایتی برای افراد وجود دارد. برای مک کال و سیمونز تمایز یافته‌ترین عواطف در میان انسان‌ها نیروی

1-Mccall

2-Simmons

3- Role Identity

کسب حمایت برای تصورات آرمان‌گرا در مورد خودشان می‌باشد (372-373:2003 Turner). بنابراین، از نظر این دو اندیشمند، بیشترین احساس تمایز در میان انسان‌ها، محرک کسب حمایت برای انگاره‌های ذهنی شده از خودشان است (دوران و محسنی ۱۳۸۳: ۹۷).

## ۲-۱-۱-۳- هویت از منظر جامعه‌شناسی

### ۲-۱-۱-۳-۱- نظریه‌های کلاسیک پیرامون هویت

مارکس، هویت را به مثابه یک بر ساخته طبقاتی مورد بحث قرار می‌دهد. از نظر وی، نقطه عزیمت ما برای رسیدن به انسان‌های واقعی، آن چه انسان‌ها می‌گویند، تصور می‌کنند، یا آن چه در مورد آن‌ها می‌گویند، تصور و تلقی می‌کنند نیست. بلکه انسان‌ها همراه با تغییر تولید مادی، موجودیت واقعی‌شان، اندیشه‌شان را تغییر می‌دهند (آرون<sup>۱</sup>، ۱۳۸۴: ۱۵۹). و بر به طور کلی در مورد هویت و فرهنگ معتقد بود که فرهنگ، جهت دهنده و کنترل‌کننده کنش انسان است، خاصیت جهت‌دهی و کنترل‌کنندگی فرهنگ، پس از درونی شدن آن و شکل‌گیری جهان بینی انسان امکان‌پذیر است. تعارض نظام اقتصادی سبب تغییر فرهنگ می‌شود و تغییر فرهنگ، باعث تغییر در جهان بینی افراد می‌شود (ترنر<sup>۲</sup>، ۱۳۸۶:). دورکیم، شاید از جمله نخستین جامعه‌شناسانی است که دست به تفکیک هویت فردی و جمعی زده است (شیخاوندی، ۱۳۸۳: ۸۴). وی معتقد است که در دزون انسان دو وجود "جمعی عام و فردی خاص" نهفته است. وجود جمعی فرد مربوط است به نظام‌های اندیشه‌ای، احساسات و عادات که مبین گروه یا گروه‌هایی هستند که فرد در آنها عضویت دارد و نه نشانگر شخصیت فرد. این نظام‌های نامبرده عبارتند از: باورهای دینی، اعتقادات و اعمال اخلاقی، سنت ملی یا حرفه‌ای و انواع عقاید و آرای جمعی. این وجود جمعی، در نهایت بخشی از هسته هویتی فرهنگی و گروهی را به وجود می‌آورد. سپس دورکیم وجود فردی را متمایز می‌سازد که شامل تمام خصوصیات مربوط به حیطة فردی است. از جمله، ویژگی‌های ارثی، خاطرات و تجارب انفرادی ناشی از تاریخ زندگی شخصی، اصولاً بنا به تعبیر برخی از صاحب نظران حوزه علوم اجتماعی، وجود فردی خاص پدیده‌ای است که در جوامع جدید دیده می‌شود. در حقیقت در اجتماعات بدوی، فردیت من، به معنای واقعی وجود ندارد. "من" تنها "من اجتماعی"<sup>۳</sup> است که در پی مشارکت جمعی در اسطوره‌ها، آیین‌ها و رسوم تکوین می‌یابد. انسان فقط در قالب تعلق گروهی تعریف می‌شود (دورکیم<sup>۴</sup>، ۱۳۴۳: ۵۶).

- 1- Arune
- 2- Turner
- 3 -Me
- 4 -Durkaim